

نقش حسابرسی در فرایند مبارزه با فساد

غلامحسین دوانی

"قانون‌مداری و پاسخ‌گویی" حکومت خودکامه‌ی شاه بود. به‌همین دلیل، به‌منظور کنترل حساب‌های دولت و رعایت دخل و خرج مملکت که قبل از آن به دست شاهان قاجار به تاراج رفته بود در مواد ۱۰۱ تا ۱۰۳ متمم قانون اساسی مصوب ۱۲۸۶ موضوع "نظارت مالی بر دولت" مطرح و اولین قانون دیوان محاسبات کشور نیز در سال ۱۲۹۰ تصویب شد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز براساس اصول ۵۲، ۵۳، ۵۴ و ۵۵ بر نقش دیوان محاسبات در نظارت بر دولت برجسته شده است.

حکمرانی خوب (good governance) آخرین دستاوردها در پیشرفت و توسعه‌ی مناسبات دولت - ملت است. ویژگی‌های شش‌گانه‌ی مؤلفه‌های اساسی حکمرانی خوب عبارتند از حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت یا کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله، بار مالی مقررات (مقررات

بی‌بدیل توسعه و رشد در شاکله‌ی اقتصادی کشور است. در واقع همه‌ی کسانی که به نوعی در سرمایه‌گذاری‌های واحدهای انتفاعی و غیرانتفاعی مشارکت دارند (سهام‌داران، دولت، بانک‌ها، وزارت دارایی و ...) علاقه‌مند هستند تحلیل و جمع‌بندی خود را بر اساس صورت‌های مالی قابل اتکا و معتبر انجام دهند. اما چه کسانی به این صورت‌های مالی اعتبار می‌بخشند؟ اعتباردهی به صورت‌های مالی بخشی از فرایندی است که «پاسخ‌گویی» نامیده می‌شود به همین علت گفته می‌شود «حسابرسی از ارکان اساسی فرایند پاسخ‌گویی است» زیرا پاسخ‌گویی مستلزم وجود اطلاعات معتبر و قابل اتکا است و قابلیت اتکای اطلاعات به‌ناگزیر و به‌الزام باید به دست شخص یا نهادی مستقل از تهیه‌کنندگان آن انجام شود که این شخص یا نهاد در جهان کنونی «حسابرس یا مؤسسه‌ی حسابرسی» نامیده می‌شود. اساس خواسته‌های مردم در انقلاب مشروطیت

در هزاره‌ی سوم، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری بر مبنای نظام شایسته‌سالاری همراه با نظام نظارتی و ارزیابی عملکرد دولتمردان سرلوحه‌ی توجه قرار گرفته و بدون شک در اجرای این مهم، حسابرسی در ابعاد مالی و اقتصادی مهم‌ترین ابزار قدرتمند نظارت در فرایند پاسخ‌گویی به‌شمار می‌رود. برای شناخت چگونگی این فرایند مهم نخست باید استانداردهای حسابداری را به تصویر کشانیم.

استانداردهای حسابداری ضوابط شناسایی و اندازه‌گیری دارایی‌ها، بدهی‌ها، سرمایه، درآمد و هزینه را مشخص می‌کند تا بدین ترتیب آمار و اطلاعات بنگاه‌های اقتصادی قابلیت مقایسه بر اساس ضابطه‌ای معتبر را دارا باشند. آنچه وجود استانداردهای حسابداری را الزام‌آور می‌سازد «وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه، رکن پاسخ‌گویی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آگاهانه به عنوان ملزومات

اضافی و هزینه‌های آن) حاکمیت قانون، مبارزه با فساد و ثبات سیاسی و دوری از خشونت. نگاهی به این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که سه ویژگی "کارآمدی مالی دولت، بار مالی مقررات و مبارزه با فساد" در قلمرو حرفه‌ی حسابرسی قرار دارند. به‌همین علت تدوین‌کنندگان نظریه‌ی حاکمیت خوب، حسابرسی مستقل را جزو ارکان این حاکمیت برشمرده‌اند. بدین معنی که برای اجرای حاکمیت خوب "وجود قوه‌ی قضاییه‌ی مستقل و قضات شجاع، حساب‌رسان مستقل، رسانه‌های آزاد (به‌عنوان افشاکنندگان

چندان علاقه‌مندی به حسابرسی نشان نمی‌دهند. بدین معنی که به‌رغم تصویب "لایحه‌ی ماده واحده‌ی استفاده از خدمات تخصصی حسابداران رسمی" توسط مجلس در سال ۱۳۷۲ و تصویب اساسنامه‌ی جامعه در سال ۱۳۷۸ و سپس ابلاغ چندین مصوبه، آیین‌نامه و بخشنامه پیرامون گسترش حسابرسی در کشور عملاً موضوع محوری که همانا "حسابرسی مسئولیت‌های اجتماعی" است مغفول باقی مانده است. از طرف دیگر، مدت‌هاست در جهان پیشرفته مقوله‌ای به نام "جامعه‌شناسی مالی"

(که نولیبرال‌های وطنی به‌شدت با آن مخالف‌اند) به منابع مالیات بردارآمد و سود، مالیات تأمین اجتماعی حق بیمه‌ای، و مالیات بر کالا و خدمات (ارزش‌افزوده)، نیاز دارند که همه‌ی این حوزه‌ها نیز در قلمرو حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی قابل تعریف و تبیین است. به‌ویژه آن‌که گفته می‌شود چون مالیات پیکره‌ی اصلی دولت‌های دموکراتیک و حسابرسی ابزار این پیکره است، پس حسابرسی از ارکان پاسخ‌گویی و ناظر امین ملت و دولت تلقی می‌شود. از سوی دیگر، دولت‌ها



فساد)، سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد و حضور نخبگان اجتماعی در فرایند حاکمیت "ضروری و الزامی است. نظر به تخصص حرفه‌ای نگارنده متأسفانه در دو دهه‌ی گذشته که مقولاتی همچون "حسابداری اجتماعی"، "حسابداری رشد" و "حسابرسی مسئولیت اجتماعی" - که هر سه کارکرد دولت را در برنامه‌های توسعه‌ی پایدار مورد بررسی قرار می‌دهند - به‌رغم آن‌که وارد ادبیات حسابداری و حسابرسی شده هیچ‌گاه مورد توجه کافی قرار نداشته‌اند، زیرا عموماً دولت‌های غیر پاسخ‌گو

به‌عنوان ابزارهایی که دستگاه عصبی دولت را تشکیل می‌دهند پدید آمده که شامل دو عنصر کلیدی "تولید، درآمد" و بررسی اثری است که این دو عنصر بر امر اقتدار سیاسی (دولت) می‌گذارد. جوزف شومپیتر اعتقاد دارد که جامعه‌شناسی مالی به تحلیل‌گران اجازه می‌دهد به‌طور عمیق به لایه‌های زیرین دولت رسوخ کنند تا رهیافتی را در پیش گیرد تا تمامیت پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی را از تمام زوایا ببیند. دولت‌ها برای استقرار حکمرانی خوب و یا برقراری نظام رفاه اجتماعی

باید فعالیت‌های خود را تأمین مالی می‌کنند و برای تأمین مالی فعالیت‌های خود (طرح‌های عمرانی، هزینه‌های جاری و...) ناچارند از سیستم حسابداری بهای تمام‌شده به منظور بررسی عملکرد و عملیات خود استفاده کنند. در جهان امروزین، فساد مالی و پول‌شویی زاده‌ی نظام سرمایه‌داری جهانی است و ازاین‌رو به‌عنوان یک پدیده‌ی فراملی مورد مناقشه قرار دارد. از آن‌جا که فساد دایره‌ی وسیعی از فعالیت‌های جامعه را در برمی‌گیرد از دیدگاه‌های مختلفی می‌توان آن را مورد

بحث قرار داد. اصطلاح فساد از ریشه‌ی کلمه لاتین (rumpiere) به معنی شکستن است، به این معنی که در فساد چیزی می‌شکند (نقض می‌شود) که ممکن است یک هنجار اخلاقی یا قانونی یا حتی مقررات اداری- مالی باشد. در تعریف عام، فساد به عنوان پدیده‌ای برخاسته از تلاقی منافع بخش‌های عمومی و خصوصی با یکدیگر، حاصل رفتار منفعت‌جویانه‌ی کسانی است که نمایندگی بخش دولتی یا عمومی را بر عهده داشته از قدرت یا اختیارات دولتی برخوردارند و از این قدرت برای مقاصد شخصی، خانوادگی یا گروهی با انگیزه‌های کسب فرصت‌های سیاسی یا اقتصادی سوءاستفاده می‌کنند. بانک جهانی فساد را «سوءاستفاده از قدرت دولتی برای تأمین منافع شخصی قلمداد می‌کند». این تعریف ناقص است و مشمول سوءاستفاده‌کنندگان بخش خصوصی نمی‌شود. اما پرسش این است که چه گونه می‌توان فساد را که در بطن سرمایه نهفته است به شیوه‌ای صحیح کنترل کرد تا مانع شکل‌گیری ثروت مولد و توسعه‌ی اقتصادی کشور نشود؟ یافتن پاسخی برای این پرسش از آن رو حائز اهمیت است که با ورق زدن تاریخ نه چندان دور اقتصاد ایران، در می‌یابیم که فساد اقتصادی در جهان و ایران با چنان سرعتی در حال افزایش است که در شرایط متفاوت گاه موجب به وجود آمدن پدیده‌ای به نام «مافیای اقتصادی» در همه‌ی کشورها شده است. برای روشن شدن بیش تر زمینه‌های فساد جهانی باید گفت که چنانچه بخش تولید و خدمات را بخش واقعی اقتصاد و بخش مالی، اعم از انواع نهادهای مالی را بخش مالی و غیرواقعی بدانیم، هم‌اکنون بخش مالی اقتصاد بیست برابر بزرگ‌تر از بخش واقعی اقتصاد شده است. شاید حال بهتر

بتوان این گفته‌ی وارن بافت (دومین ثروتمند جهان) را به‌درستی دریافت که ابزارهای مشتقه را سلاح‌های کشتار جمعی مالی نامید.

بررسی آمارهای اقتصاد جهانی نشان می‌دهد که مجموع حجم کل تولید ناخالص داخلی جهان از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۲ معادل ۲,۱۴۳,۵۸۳ میلیارد دلار و حجم ابزارهای مالی که در همین دهه‌ی گذشته رونق یافته بالغ بر ۱۲۰۰ میلیارد دلار یا به تعبیری حجم این اوراق معادل پنج درصد کل تولیدات جهان در عرض بیش از نیم‌قرن گذشته است که به بزرگ‌تر شدن هم تمایل دارد. جالب آن‌که در حالی که هنوز بازارهای سهام به نقطه‌ی سال ۲۰۰۸ بازنگشته‌اند. حجم این ابزارها در اول اکتبر ۲۰۰۷ یعنی زمان سقوط بازارها رقمی حدود ۷۹۱ هزار تریلیون بوده که در عرض چهار سال گذشته به‌رغم افت بازارها معادل ۸۰ درصد رشد کرده و به ۱۲۰۰ تریلیون دلار رسیده است. به گمان نگارنده دوران متأخر سرمایه حامل پدیده‌های خطرناکی است که گفتمان مسلط آن «جنگ و خشونت» است که نمونه‌های بارز آن ایجاد حداقل هشت جنگ بزرگ منطقه‌ای پس از سقوط شوروی بوده است. بررسی هزینه‌های جنگ در آمریکا از نخستین جنگ‌های داخلی (۸۳-۱۷۷۵) تا پایان سال ۲۰۱۱ و جنگ اخیر بر علیه عراق و افغانستان آمریکا معادل ۲,۵۸۰ میلیارد دلار به قیمت جاری است (مقایسه کنید با کل هزینه‌های جنگ اول جهانی که معادل ۱۸۵ میلیارد دلار بوده است) و به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۱۱ برابر ۷,۹۳۰ میلیارد دلار می‌شود. بدیهی است که هزینه‌های جنگ‌های آمریکا را باید متحدان منطقه‌ای (اتحادیه‌ی اروپا)، شورای هماهنگی خلیج فارس و امثال آن تأمین کنند و یا از طریق انتشار اوراق کاغذی شرکت‌های بزرگی که در جنگ

مشارکت داشته‌اند تأمین شود. بر اساس تحقیقات مستند تارنمای بازرسان تقلب (acfe) حجم فساد جهانی بین ۵ تا ۷ درصد تولید ناخالص جهانی ۸۰ تریلیون دلاری برآورد شده و بدین ترتیب حدود ۴ تریلیون دلار است.

به‌استناد تعریف فساد در بالا هر گونه فعالیت قانون‌شکنانه و یا ساختارشکنانه همچون تقلب، پول‌شویی، فرار مالیاتی، رشوه و.... در مقله‌ی فساد قرار می‌گیرد. بدین مفهوم، هر گونه فعالیت غیر شفاف حسابداری و حسابرسی نیز در چارچوب فساد قرار جای دارد.

هر گونه تحریف با اهمیت عمدی در صورت‌های مالی را تقلب گویند. در حوزه‌ی حسابرسی تقلب عبارتست از: «تقلب تحریف حقایق با اهمیت توسط شخصی که می‌داند مطلبش حقیقت ندارد یا ارائه‌ی حقایقی با بی‌توجهی کامل نسبت به صحت یا سقم آن با قصد فریب دادن دیگران و با این نتیجه است که طرف مقابل، زیان ببیند». حسابرسی امروزه به عنوان یک حرفه‌ی مستقل شناخته‌شده‌ی بین‌المللی درآمدی که وظایف نوین آن صرفاً رعایت الزامات اخلاق حرفه‌ای و استانداردهای حسابرسی نیست. در تعاریف جدید که برای توسعه‌ی بازارهای مالی تدوین شده از جمله وظایف خاص حساب‌برسان، مسئولیت‌های اجتماعی (social responsibility) است. اما مسئولیت‌های اجتماعی دارای ابعاد و مختصات وسیع و گسترده‌ای است که چنانچه این ابعاد و مختصات تعریف و روشن نشوند حساب‌برسان در یک پارادوکس و تناقض حرفه‌ای و اجتماعی قرار خواهند گرفت. فارغ از گستره‌ی این ابعاد مسلم است که وظیفه‌ی اصلی حساب‌برسان اعتباربخشی به اطلاعات مالی و ایجاد شفافیت در بازارهای مالی است و به‌همین علت همه‌ی مسئولیت‌های

سنتی و جدید حسابرسان صرفاً در این چارچوب قابل بررسی و تبیین نخواهند بود. در چند سال گذشته که اوج ادغام و تملک در سرمایه‌گذاری جهانی رخ داده جهان سرمایه شاهد موارد متعدد تقلب‌های عظیم بوده که بازارهای جهانی را زمین‌گیر کرده است. بدون تردید بررسی این موارد، جز از طریق شفافیت و افشای اطلاعات در زمینه‌های فوق امکان‌پذیر نیست.

اما افشای اطلاعات چه ابعادی باید داشته باشد تا تأثیرات عینی بر بازارهای مالی بگذارد؟ مهم‌ترین موضوعی که در محدوده‌ی مسئولیت‌های حسابرسان در سطح جهانی و در آینده نیز در ایران قرار خواهد گرفت اظهارنظر پیرامون مسئولیت‌های اجتماعی نهاد و سازمان‌های مسئول به‌ویژه مسائل زیست‌محیطی و مسائل حقوق بشری خواهد بود زیرا حسابرسی فرایند نظام پاسخ‌گویی است و پاسخ‌گویی ضرورت برقراری نظام رفاه اجتماعی است. با چنین تعبیری نقش و جایگاه حسابرسی در کشور از ویژگی و برجستگی خاص برخوردار می‌باشد.

وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز در مقام راهبر سیاست‌های اقتصادی و مالی کشور به منظور اعمال مدیریت اقتصادی و نظارت بر تخصیص بهینه‌ی منابع نیازمند اعتبار آمار و ارقام ارائه شده‌ی بنگاه‌های اقتصادی از یک سو و حساب‌کشی و حساب‌دهی مدیران از سوی دیگر است. حوادثی نظیر سقوط شرکت انرون و پی‌آمد آن برای بزرگ‌ترین مؤسسه‌ی حسابرسی جهان (آرتور آندرسن) و فساد مالی حادث شده در بحران جهانی مالی - پولی سال ۲۰۰۸، و همچنین فساد سه هزار میلیاردی و فساد بزرگ نفتی و نمونه‌های افشاشده‌ی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که ضرورت دارد نقش نوین حسابرسان

و حسابداران رسمی نسبت به نقش سنتی آنان به‌شدت افزایش یابد و مسئولیت اجتماعی حسابداران رسمی در حوزه‌ی رفاه اجتماعی همچنان مورد تأکید باشد.

البته حسابرسان مدعی هستند که دستورکارشان استانداردهای حسابرسی است که مرجع قانونی تدوین کرده است. در ایران، این مرجع قانونی در حال حاضر سازمان حسابرسی است. **واقعیت این است که تاکنون مسئولیت‌های حسابرسان و چگونگی برخورد با فساد به‌درستی روشن و تدوین نشده اما همگان انتظار دارند حسابرسان در این فرایند نقشی به‌مراتب بیش از رعایت استانداردهای حسابرسی را تقبل کنند!**

رشد فزاینده‌ی سرمایه‌داری جهانی و سرعت فرایند جهانی‌سازی، حسابرسی را با مشکل مواجه کرده است. هرچه سرعت جهانی‌سازی شدت یابد فرایند ادغام و تملک شرکت‌ها نیز سرعت می‌یابد. در این فرایند احتمال فساد و تقلب دوچندان می‌شود. تحقیقات انجام‌شده پیرامون فساد، کلاهبرداری و تقلب در مورد شرکت‌های انرون، وردکام، زیراکس، پارمالات و بانک له‌مان برادرز و گروه مه‌آفرید و ... همگی مؤید این امر است که در کلیه‌ی این شرکت‌ها مراحل تملک و ادغام وجود داشته و از همان تاریخ حساب‌سازی و دست‌کاری در حساب‌ها صورت گرفته که چند سال بعد این فساد آشکار شده است. با توجه به گستردگی بورس‌های جهان و تعدد سهام‌داران جزء به‌ویژه خانوارها، سقوط و ورشکستگی هر یک از شرکت‌ها به‌معنی از دست رفتن ثروت بخش بزرگی از جامعه است. از این‌رو، بازارهای سرمایه رویکرد جدیدی را در قبال تقلبات، تخلفات و ناشی‌گری‌های گزارشگری مالی در پیش گرفته‌اند. پیشینه‌ی این

رویکردها از دهه‌ی ۱۹۷۰ و سپس در جریان رسوایی سیاسی واترگیت در امریکا، و سقوط‌ها و رسوایی‌های مالی بعد به انتشار گزارش‌های «کنترل‌های داخلی و حاکمیت سهامداران» در کشورهای انگلستان و امریکا منجر شد. در حال حاضر، مهم‌ترین مسئولیت‌های حسابرسان تأکید بر شناخت حسابرسان از محیط کنترلی، ریسک تجاری، شناخت کسب‌وکارهای جدید به عنوان بخشی از فرایند عملیات حسابرسی است. همچنین افزایش مسئولیت حرفه‌ای حسابرسان در مقابل جامعه در زمینه‌ی موضوعات جدید اقتصادی نظیر پول‌شویی، فساد و تقلب‌های گسترده بحث‌های خاصی را درباره‌ی استقلال حسابرسان و تغییر در مقررات نظارتی مربوط به حسابرسان مطرح ساخته است. شاید در راستای همین مسئولیت‌های جدید است که بازارهای سرمایه‌ی جهانی حتی در مورد تشکیل مؤسسات حسابرسی و فراهم آوردن راهکارهای قانونی جهت مقابله با فساد و تقلب در مؤسسات حسابرسی هم قوانین خاصی را تدوین کرده که مشهورترین آن در حال حاضر قانون «ساربینز آکسلی» است که حاکم بر کلیه‌ی شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس امریکا است. طبق این قانون شرکت‌های امریکایی برای فعالیت‌های برون‌مرزی خود نیز باید آن را رعایت کنند. از سوی دیگر دولت‌ها برای مبارزه با فساد و جلوگیری از این منظومه‌ی شوم ناچارند انضباط مالی و اقتصادی را در چارچوب حسابداری برقرار کنند. برای ایجاد انضباط مالی و اقتصادی و ابزارهای نظارتی دولت در بخش امور اقتصادی باید به مؤلفه‌ها و ابزارها و اهرم‌های این نظارت نیز توجه بیش‌تری مبذول داشت. یکی از بهترین این ابزارها حسابداری و حسابرسی به شمار می‌رود.

در واقع حسابرسان تنها با آینده‌نگری می‌توانند تلاش خود را حول نتایج درازمدت و مطلوب متمرکز کنند به‌طوری‌که به اعتبار و شهرت جامعه‌ی حسابداران رسمی بیافزایند. واقع‌بینی و آینده‌نگری باعث می‌شود که ارزش‌های اساسی جامعه، مانند منافع عمومی، با درکی تازه تصریح شود و مورد توجه خاصی قرار گیرد اگر حسابداران، نمونه‌ی آشکار درست‌کاری و بی‌طرفی باشند و از شایستگی‌های جدید چون تفکر راهبردی و داوری نقادانه برخوردار باشند، می‌توانند در عرصه‌ای

مسئولیت پاسخ‌گویی و فرایندی برای سنجش وظیفه‌ی حساب‌دهی، نقشی جدی ایفا خواهد کرد. نظام راهبری بنگاه که مهم‌ترین هدف و رسالت آن خدمت به سرمایه‌گذاران و حفظ منافع آنان است، برای انجام وظایف خود سه رکن اساسی دارد: هیئت مدیره، کمیته‌ی حسابرسی و حسابرسان مستقل. مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده‌ی کمیته‌ی بلو ریبون (Blue Ribbon Committee) و مواد مستخرج از گزارش‌های Cadbury و green burry درباره‌ی بهبود اثربخشی کمیته‌ی

تا بر تمام عملیات و سیاست‌های واحد خود حکومت داشته باشد. اقتصاد ایران در دو دهه‌ی گذشته فارغ از نظارت و کنترل کافی بوده و هم اکنون پیامدهای فقدان نظارت مؤثر، مشکلات خاصی به‌وجود آورده است. گریز از این مشکلات و راهبرد حل منطقی آن مستلزم نظارت کامل بر عملکرد مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی، اعم از دولتی و غیردولتی، از طریق فرایندهای حسابرسی است. حرفه‌ی حسابرسی نیز به نوبه‌ی خود باید درصدد تقویت توانایی‌ها و ظرفیت‌های علمی و



بسیار فراتر از تعریف سنتی، به منافع عمومی خدمت کنند. از طرف دیگر گزارشگری مالی به طور سنتی قادر به پاسخ‌گویی و حسابدهی بنگاه‌های اقتصادی نبوده و باید قابلیت‌های تازه‌ای برای اطمینان‌بخشی به بهبود نظام راهبری بنگاه‌ها به دست آورد تا اعتماد از دست رفته را بازگردانند.

اکنون در نظام اقتصادی کشورهای بازار آزاد، بنگاه‌های اقتصادی با الزامات تازه‌ای برای پاسخ‌گویی و حسابدهی روبه‌رو شده‌اند و از این پس «راهبری شرکتی» به عنوان وسیله‌ای برای تعیین

حسابرسی نشان داد که به منظور راهبری مؤسسات و سازمان‌ها برای کسب موفقیت با توجه به تغییرات اساسی سال‌های اخیر در قلمرو پیدایش عرصه‌های جدید کسب و کار، نوآوری پایان‌ناپذیر فناوری، توسعه‌ی تجارت و تشدید رقابت آثار چشمگیر فناوری اطلاعات در گستره‌ی کنترل‌ها انکارناپذیر است. برای بقای سازمان‌ها در شرایط موجود، باید تفکر برقراری نظام کنترل و سنجش عملکرد، جایگاه خود را آشکار سازد. کنترل داخلی در بنگاه‌های اقتصادی یکی از عوامل اصلی است که به مدیریت یاری می‌کند

عملی برآید تا از طریق تجمیع امکانات در فرایند نظام پاسخ‌گویی بتواند رسالت خود را به نحو اصولی و خدشه‌ناپذیر انجام دهد. مدیران مؤسسات و سازمان‌ها- به عنوان نمایندگان مالکان - مسئولیت پیشبرد بنگاه‌های اقتصادی را در جهت تحقق اهداف و دستیابی به موفقیت‌های هرچه بیش‌تر - به عهده دارند. یکی از تمهیدات اساسی برای نیل به این اهداف، برقراری سازوکارهایی است که در رویارویی با مخاطرات متعددی که فراروی بنگاه‌های اقتصادی از درون و بیرون وجود دارد، از آن‌ها

در برابر پیامدهای زیان‌بار این مخاطرات محافظت کند. بنابراین، مدیران موظف به استقرار یک نظام کنترلی مناسب‌اند که استقرار این نظام بدون استفاده از حسابداران و حسابرسان امکان‌پذیر نیست.

واقعیت آن است که حرفه‌ی حسابرسی با وجود تأکیدات مکرر مسئولان و حمایت جدی وزارت امور اقتصادی و دارایی به علت نبود نظام پاسخ‌گویی هنوز در شأن و منزلت فراخور خود قرار نگرفته است. دولت نیز چنانچه در عمل به استقرار نظام

مورد توجه قرار گرفته دست همکاری بفشارند و منافع ملی کشور را از طریق اشاعه‌ی نظام کنترلی مالی - حسابرسی پاس دارند. تحولات دهه‌ی اخیر در محیط اقتصادی ایران موجب شده که نیاز به اطلاعات مالی شفاف و با کیفیت مطلوب برای اخذ تصمیمات بهینه‌ی اقتصادی ضرورت یابد. چنین تحولاتی وجود یک سازوکار کنترلی در قالب حسابرسی مالی را ایجاد کرده است. از طرفی محیط حسابرسی، خود نیز به سرعت در حال تغییر است و این تغییر با تأکید فزاینده بر تصمیم‌گیری‌های

و جامعه، مهارت‌های حرفه‌ای و شخصی باید هرچه بیشتر مورد توجه قرار گیرد. این مهارت‌ها جز از طریق ارتقای دانش و تجربه امکان‌پذیر نمی‌باشد.

حسابداران رسمی «ناظران امین ملت و دولت» هستند و می‌توانند به افراد و سازمان‌ها در ساختن آینده کمک کنند. حفظ این اعتماد مستلزم درک شرایط پیچیده و در حال تغییر کشور است که کم بهادادن به این مهم موجب بروز صدمات به حرفه‌ی حسابرسی می‌شود. در واقع امروزه ثابت شده که موفقیت آینده‌ی حرفه‌ی حسابرسی در گرو



پاسخ‌گویی و ارزیابی عملکرد واحدهای اقتصادی و مدیران آن‌ها علاقه‌مند باشد راهکاری جز حمایت عملی، جدی و در خور توجه از جامعه‌ی حسابداری کشور ندارد. در این زمینه، بازنگری در مبانی نظام آموزشی حسابداری و حسابرسی از اهمیت خاصی برخوردار است.

جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، انجمن حسابداران خبره ایران، سازمان حسابرسی و انجمن حسابداری ایران به عنوان تشکل‌های خاص نهاد حسابداری کشور نیز باید در این برهه‌ی زمانی که به نظر می‌رسد موضوع حسابرسی

پیچیده و مهارت‌های گوناگون همراه است. در این محیط مؤسسات حسابرسی «خدمات اطمینان‌بخشی» جامع‌تری ارائه می‌کنند به همین دلیل حسابرسی سنتی نیز در حال تغییر است. در چنین محیطی حسابرسان باید دانش بیشتری از بخش‌های مختلف داشته باشند و بر مهارت‌های گوناگون بیش‌تری تکیه کنند؛ به همین دلیل حسابرسان مبتدی باید به تحصیل مهارت‌های تحلیلی پیچیده بپردازند. به دلیل وجود انتظارات فزاینده‌ی کارفرمایان، مشتریان و جامعه از حسابرسان و نقش آن‌ها در محل کار

نقش مؤثر حسابرسان در شفاف‌سازی، ارائه‌ی به‌موقع گزارش‌های حسابرسی و استقلال حرفه‌ای آنان است و به همین علت حسابداران رسمی باید به بازار خدمات خود اتکا داشته باشند و از وابستگی به الزام قانونی برای ارائه‌ی خدمات اجتناب کنند. به‌طوری‌که خود بتوانند «مشتری‌گزینی» کنند و از ارائه‌ی خدمات به مشتریان «بدنام» که در بازار پول و سرمایه شهرت به فساد داشته و یا مشکوک به فساد هستند اجتناب کنند (امری که در حال حاضر در بازار کشور توجه کافی به آن نمی‌شود).